کتاب «سبک شیرین نو در ایران و ایتالیا، بررسی تطبیقی» مورد نقد و بررسی قرار گرفت

کتاب «سبک شیرین نو در ایران و ایتالیا، بررسی تطبیقی» نوشته ایمان منسوب‌بصیری به همت انتشارات سمت انتشار یافته است. نویسنده در این اثر به دنبال نمایان ساختن تأثیر فرهنگ ادبی ایران در اروپا و به‌ویژه ایتالیا، بحث در مضامین و منابع مشترک فرهنگ‌ساز در ایران و روم، سنجش و تطبیق تاریخی دوران رواج سبک عراقی و خراسانی با عصر طرز نو، توضیح بلاغت ایتالیا در سده‌های میانه از دید هنجارهای بلاغت پارسی تازی، ارائه‌ی برگردان ابیات برگزیده‌ی سخنوران بزرگ پارسی به ایتالیایی و مقایسه‌ی آن با نمونه‌های غربی بوده است. این نشست با حضور منوچهر سادات‌افسری، محمدحسین کیایی و ایمان منسوب‌بصیری به‌صورت مجازی برگزار شد.

شعر پارسی و ایتالیک در قرن سیزدهم

ایمان منسوب‌بصیری اظهار داشت: «سبک شیرین نو» نخستین نمونه‌ی ایتالیایی‌زبان است که در حوزه‌ی زبان‌های دانشگاهی ایتالیایی و به زبان ایتالیایی در ایران به چاپ رسیده است. موضوع کتاب چنان‌که از نام آن برمی‌آید، در گام نخست به سبکی ادبی به نام «dolce stil novo» در ایتالیا اشاره دارد که ترجمه‌ی پارسی آن «سبک شیرین نو» است. طرز شیرین نو گونه‌ای از ادبیات ایتالیا، به‌ویژه در سده‌ی سیزدهم، است که شامل برخی دگرگونی‌های معناشناختی، ساختاری و ماهوی در حوزه‌ی ادبیات غنایی و عاشقانه است. این تغییرات و دگردیسی‌ها در حوزه‌ی ادبیات رمانس کمابیش با تغییرات حوزه‌ی ادبیات پارسی در دوران شکل‌گیری سبک عراقی در ایران هم‌زمان بوده است. اگرچه دلایل پدیداری این دو گونه‌ی سخنوری و مرام بیانی چندان همسانی و قرابتی ندارد، ریشه‌های مشترک این دو سبک سخنوری را از دید محتوایی و شیوه‌ی بیان می‌توان در میراث مشترک کهن آنها جست‌وجو کرد.

او ادامه داد: در سنجش این دو نحله‌ی ادبی در میان ایران و روم کوشیدم از جنبه‌های گوناگون تأثیرگذاری ایران و میراث مشترکی پرده بردارم که به‌واسطه‌ی زبان عربی و لاتین از یونان در اختیار ایرانیان بوده است. در روزگار شکل‌گیری سبک خراسانی در شرق و پدیداری سبک سیسیل در ادبیات ایتالیا، این تعامل و پیوند میان دو جریان ادبی به گونه‌ی نامستقیم در ایران و روم برقرار می‌شود که از هدف‌های بنیادین نگارش این کتاب به زبان ایتالیایی نمایان ساختن این تأثیر و تعاملات، به‌ویژه در حوزه‌ی ادبیات رمانس ایران در اروپا، است. سپس، در حوزه‌ی مضامین مشترک فرهنگ‌ساز در حوزه‌ی ادبیات بحث کردم. به‌ویژه مضامینی که رهگیری‌شان از طریق اسناد برای ما ممکن بود و توانستم با شناسایی پل‌های پیونددهنده‌ی آنها را در این دو فرهنگ، شیوه‌ی رسیدن برخی از مضامین و درون‌مایه‌ها را از فرهنگی به فرهنگ دیگر بررسی کنم. همچنین، بررسی تطبیقی تاریخی دوران رواج سبک عراقی با عصر شکرین طرز نو در ایتالیا انجام و آئین‌های سخنوری در ایتالیا در سده‌های میانی از دید هنجارهای بلاغی و سخنورانه در هر یک بررسی شد. از بایستگی‌های این کار ترجمه و برگردان متون پارسی به ایتالیایی و مقایسه‌ی مضمونی و محتوایی اینها با ادبیات غرب، به‌ویژه از حیث رسیدن و پیوند بین فرهنگی در مضامین مشترک، بود.

او توضیح داد: در فصل نخست، مکاتب ادبی پیش از شکل‌گیری سبک عراقی و شکرین طرز نو بیان و جریان‌های ادبی منشأ این دو گونه‌ی سخنوری بررسی شد. در این راستا، ویژگی‌های ساختاری و مضمونی سبک خراسانی و مکتب سیسیل مقایسه شده است. در این فرایند تطبیق ادبیات غنایی پروانسال و اشعار عربی سخنوران مسلمان در سیسیل و اندلس راهگشا بود. به‌طورکلی، درون‌مایه‌های شعر پارسی بعضاً از طریق زبان تازی به جایگاه‌های گوناگون ادبیات رمانس رسیده است و با سامان فرهنگی آن دیار درآمیخته و جامه‌ی رمانس و اروپایی پوشیده و تا جای ممکن در ادبیات رومی زمان خودش گسترش پیدا کرده است. شاعرانی که در ایتالیای آن دوران در شکرین طرز نو سخنوری کرده‌اند، بهترین نمونه‌های این همسانی‌های فرهنگی را به‌جا گذاشتند که رهگیری آبشخورهای مشترک این دو فرهنگ را ممکن کرده است. در این راستا، آنچه بر اثر همسانی تصادفی یا توارد رخ داده در نظر گرفته نشد و فقط به موارد متقن به سند بسنده شد. پس، نخست به حضور واژگان پارسی در زبان‌های رایج رمانس در ایتالیا و گویش‌های رمانس پرداخته شد و نشان داده شد که چگونه این واژگان از طریق بازرگانان یا سفیران و فرستادگان یا نظامیان و سخنوران و مترجمان و بزرگان عرصه‌ی ادب به حوزه‌ی روم رسیده است. از طرف دیگر، به‌اختصار مضامین ویژه‌ی نو ادبیات پارسی در آن زمان و منابع و آبشخورهای اینان از طریق زبان تازی، زبان پارسی میانه، پارسی و همچنین زبان یونانی بررسی شد. از سوی دیگر، همسانی‌های اجتماعی میان وضع موجود در دو جامعه بررسی شد که منجر به تجلی ادبی در سرایش‌های آن دوران شده است.

این پژوهشگر افزود: در فصل‌های دوم و سوم بیشتر درباره‌ی دلایل گوناگون پیدایش سبک عراقی و شکرین سبک نو در ایتالیا سخن گفته شد و چگونگی روند دگردیسی سبک خراسانی به سبک عراقی و تغییر مضمون و شیوه‌ی گفتار و واژگان مختص هر یک از این سبک‌ها و همچنین، چگونگی تغییر از سبک سیسیلی در ادبیات رمانس ایتالیایی به سبک نو بررسی شد. علی‌رغم تمام این دگرسانی‌ها، وجود همسانی‌های پرشمار در محتوا و ساختار، به‌ویژه به سبب رسوخ عرفان ایرانی در قلمرو اروپا، در این اثر مهم بوده است. چراکه در کنار باورهای یونان کهن باعث شده که مجموعه‌ای از درون‌مایه‌های مشترک در ادبیات این دو کشور کهن به وجود بیاید. در فصل چهارم، بیشتر به حدود این مشابهت‌ها و همسانی‌ها اشاره شد و آنچه را از سر تداعی و توارد خیال‌پردازی تصادفی شاعران بوده است، یک سو نهاده شد و از آن بخش یاد شد که به کتب پیشین مستند است یا اشاره‌ی ضمنی و صریحی به کتب مشترک دو فرهنگ داشته است.

منسوب‌بصیری درباره‌ی فصل پنجم کتاب گفت: در این فصل فن سخنوری و زبان‌آوری پارسی، به‌ویژه در سبک عراقی، در سایه‌ی درون‌مایه‌های مشترک با سخنوری شکرین طرز نو در ادبیات حوزه‌ی ایتالیک و همچنین، شیوه‌های سخنورانه و فنون بلاغت در ادبیات سده‌ی سیزدهم ایتالیا بنابر منابع کهن رومی و یونانی سنجیده شده است. از سوی دیگر، منابع پارسی کهن که با منابع تازی در پیوند بودند و اصل آنها سنجیده شد. فنون بلاغی بر مبنای استوارترین چامه‌های شاعران آن دوران سنجیده شده است و سعی شده است که تأثیر آرایه‌های سخنورانه در ادبیات در این دوره بر مبنای مضامین و منابع مشترک و یا تعاریف همسان ما از شیوه‌های سخنوری بررسی شود.

او توضیح داد: فصل‌های ششم، هفتم و هشتم دربردارنده‌ی نظریه‌پردازی‌های بیان شده در فصل‌های پیشین کتاب است. در این فصل‌ها درون‌مایه‌های یاد شده و شیوه‌های رسیدن آنها به فرهنگ‌های همسان بررسی، رهگیری و واکاوی شده است. ویژگی بارز این فصل‌ها این است که از طریق شواهد زبان‌شناختی و تاریخی و متونی که در برگردان از فرهنگ‌های مختلف در اختیار داشتیم به شناسایی آبشخورهای یکسان منبع مضامین یکسان پرداخته شده است. از سرفصل‌های مهم این بخش‌ها می‌توان به مضمون مشترک خورشید و سنگ‌های گران‌بها، مضمون مغناطیس، مضمون تأثیر افلاک و آسمان‌ها یا درون‌مایه‌های فلسفی و شبه‌فلسفی مانند جوهر و عرض و آنچه از ایران باستان به ادبیات رومی رسیده است اشاره کرد. در فصل پایانی کتاب، برگزیده‌ای از سروده‌های شاعران طرز نو آمده است که این مضامین در آنها دیده می‌شود تا پژوهشگران بتوانند علاوه بر مثال‌های یاد شده در متن به نمونه‌های شعری زبان ایتالیک آن دوران دسترسی داشته باشند.

منسوب‌بصیری در پایان بخشی از ترجمه‌ی منظوم یکی از سروده‌های شاعران ایتالیایی آن عصر را خواند تا نزدیکی مضامین این اشعار را به سروده‌های سبک عراقی و ادبیات عرفانی ما نشان بدهد.

موج جدید

منوچهر سادات‌افسری اظهار داشت: امروز با کتابی مواجهیم که من آن را رویدادی نیک در پیشرفت زبان ایتالیایی در ایران به‌شمارمی‌آورم. چراکه یکی از فعالان در زمینه‌ی ادبیات و فرهنگ ایتالیایی برای نخستین بار همت کرده و منویات و دانش خود را به زبان ایتالیایی بیان کرده است. این امر ما را در مسیر روابط میان ایتالیا و ایران در حوزه‌ی ادبیات، فرهنگ و اندیشه باز می‌کند. همچنین، گشایشی برای داستان‌نویسان، گزارش‌نویسان و مقاله‌نویسان ما نیز هست. خود من سال‌ها کوشیدم تا تسلطی به زبان ایتالیایی پیدا بکنم و خودم را با جهان غرب هماهنگ کنم و ایتالیایی بنویسم. اما متأسفانه موفق نشدم. چراکه این کار باید از سنین جوانی شروع شود. اما امروز منسوب‌بصیری خیلی خوب به زبان ایتالیایی می‌نویسد و خودش را در فحوای این زبان جا انداخته است. این موفقیت بزرگی است. اما اینکه چگونه تحولی را رقم می‌زند و به فرهنگ و ادبیات ایران چه کمکی می‌کند، به نیت و انتخاب نویسنده بستگی دارد. حداقل به نظر می‌رسد که این می‌تواند به فرهیختگان کشورهای غربی کمک کند که با شیوه و موج جدیدی از فرهنگ، طرز تفکر و طرز چالش با جهان مدرن در ایران آشنا شوند.

او درباره‌ی «سبک شیرین نو در ایران و ایتالیا» گفت: این اثر طرز شکرین نو را نکته‌ی مرکزی گرفته و آن را بسط می‌دهد. نویسنده این قهرمان اصلی را تجزیه و تحلیل کرده و سابقه‌ی تاریخی آن را در ایتالیا پی گرفته است. این از آنجا برای ما آموزنده و ثمربخش است که معادل این سبک را در ایران پیدا کرده است: یعنی سبک خراسانی. در واقع، منسوب‌بصیری ما را به گردشی علمی در دوران تاریک برده است؛ یعنی دورانی که اطلاعات چندانی از آن در دست نیست. چراکه این سبک در سال ۱۲۸۰ تا ۱۳۱۰ سر دست آمده است که با اوج فعالیت‌های ادبی ایران در کنار آمدن با زبان عربی و پیدا کردن عروضی برای شعر فارسی مصادف است.

او توضیح داد: از سویی، در ایران حدود پانصد ششصد سال از تسلط اعراب بر جامعه‌ی ایرانی گذشته و جامعه در دین جدید جا افتاده است. تأثیر آن دگرگونی‌های عمیق در مرزها و در درون کشور روی روحیه‌ی مردم خودش را در زبان نشان می‌دهد و سبک خراسانی پدید می‌آید. از سوی دیگر، در کشور ایتالیا زبان ایتالیایی شکل می‌گیرد. اینجا، زبان نقش تاریخی ایفا می‌کند و به دنبال ایجاد وحدت ملی است. دانته و یاران او گرد این سبک می‌آیند و رسالتی بسیار بزرگ‌تر از ایجاد تحولی ادبی در ذهن دارند. قرن‌های بعدی نشان می‌دهد که این افراد نمایندگان به حق و با اصالتی بودند و آینده‌ای را در برابر این مردم گشودند تا جایی‌که امروز دانته، بنیان‌گذار سبک شیرین نو، اسطوره و قهرمان ملی شناخته می‌شود.

سادات‌افسری بیان داشت: نویسنده بین میراث‌داری ایران و ایتالیا موازاتی ایجاد می‌کند و می‌گوید، سبک شیرین نو از دو میراث فرهنگی قابل‌توجه برخوردار است که یکی ماقبل تاریخ سبک طرز نوی شعرگویی و فرهنگ و میراث ادبیات کبیر روم باستان است و دیگری، میراث مسیحیت. میراث کهن ما ایرانیان نیز در آثار باستانی ماقبل تاریخ شاعران خراسانی، از هخامنشی تا پیدایش اشکانیان، است و میراث مذهبی‌مان از اسلام برخاسته. در واقع، نویسنده نشان می‌دهد که هردوی اینها یک میراث کهن و یک تجربه‌ی جدید مذهبی دارند و شاعران هر دو سبک از این میراث‌ها سرچشمه می‌گیرند. منسوب بصیری همچنین می‌گوید، این دو مکتب درعین‌حال با مدارج فلسفی هم آمیخته‌اند؛ یعنی شعر و فلسفه گام‌به‌گام پیش می‌روند. این از وجوه پسندیده‌ی این کتاب است که نشان می‌دهد چطور اندیشه‌ی ارسطو و افلاطون به دل این شاعران نفوذ می‌کند. ما در ایران از طریق ترجمه‌ی آثار فیلسوفان یونانی از زبان عربی به فارسی با اندیشه‌های این فیلسوفان آشنا می‌شویم. درحالی‌که در ایتالیا علی‌رغم ریشه‌های مشترک، پیوند آن‌چنان پیگیری وجود نداشته است که این شاعران را متأثر کند. بنابراین، سبک شیرین نو به فلسفه‌ی ماقبل تاریخ و به شیوه‌ی افکار روم باستان برمی‌گردد.

سادات افسری در ادامه به برخی از این نکات جذاب پرداخت و اظهار داشت: نکته‌ی محوری این کتاب بررسی چگونگی ارتباط این دو سبک با یکدیگر است. این دو در دنیایی منتزع از هم پیدا نشدند. بلکه از یکدیگر تأثیر پذیرفتند. بنابر گفته‌ی نویسنده‌ی کتاب، این دو مکتب، مکتب خراسانی و مکتب سیسیلی، به هم نرسیدند. زبان فارسی نزد زبان سیسیلی ناشناخته بود و این زبان عربی بود که پلی میان سبک خراسانی و سبک شیرین نوی ایتالیایی شد و در واقع، این دو پارادایم فرهنگی را به هم رساند. نویسنده به صراحت می‌گوید که بدون این پل هرگز هیچ تماسی بین این دو برقرار نمی‌شد.

او در انتقاد از نویسنده گفت: منسوب‌بصیری در این اثر دست‌وبال خودش را بسیار گسترده کرده و از موضوع اصلی خودش، بررسی وجه تشابه سبک نوی ایرانی و شکرین طرز نوی ایتالیایی، فراتر رفته است. مثلاً به شعر پروانسال یا اسپانیا وارد شده است. اما برخوردش با این موارد اجمالی است که نمی‌تواند دقیق باشد. همچنین، متأسفانه در جانب‌داری از فرهنگ ایرانی و ملی به ارتباط فرهنگی ایران و ایتالیا در ماقبل تاریخ سبک شیرین نو اشاره می‌کند. درحالی‌که این امر هم لزومی ندارد و هم مفهوم مراوده‌ی فرهنگی در آن دقیق دیده نشده است. ارتباط فرهنگی حتی در دوره‌ی شکرین طرز نو، قرن دوازدهم و سیزدهم، هم در سایه‌روشن است و دقتی بر آن نیست. چه برسد به اینکه نویسنده با ارجاع به هرودوت و منابع قبل میلاد مسیح بخواهد از روابط فرهنگی بین این دو امپراتوری سخن بگوید. این کتاب در غرب به دست آدم‌های فرهیخته می‌رسد که با مسائل برخوردهای بسیار جدی‌تری دارند و این مسائل را زیر ذره‌بین می‌گذارند. به نظرم، پا فراگذاشتن و گسترده کردن دامنه‌ی بحث تا این حد برای ما سابقه‌ی خوبی نمی‌شود.

تفاوت و هویت

محمدحسین کیایی اظهار داشت: «سبک شیرین نو در ایران و ایتالیا» مطالعه‌ای مقایسه‌ای بین ادبیات ایتالیا و ادبیات فارسی است. مقایسه‌ی یک موضوع میان دو فرهنگ اهمیت آن را روشن می‌کند. پس، مناسب است در اهمیت شکرین طرز نو در ایتالیا سخن بگوییم و چهره‌های مهمی که در شکرین طرز نو آثاری را خلق کردند و به‌جاماندگی این مکتب ادبی تا به امروز را بررسی کنیم.

او ادامه داد: شکرین طرز نو در قرن سیزدهم در ایتالیا شکل گرفت و ابتدا حوزه‌ی چندان گسترده‌ای نداشت. اما بعدها تأثیرگذاری آن بیشتر شد و به سایر حوزه‌های ادبی و فرهنگی گسترش یافت. پایه و جایگاه ابتدایی شکل‌گیری این مکتب ادبی در ناحیه‌ی توسکان بود. بزرگانی مانند دانته در این مکتب کار کرده‌اند. آن‌طورکه در تعریف این مکتب ادبی آمده است، dolce یعنی شیرین و هدف اصلی شکرین طرز نو این است که شیرینی احساس عاشقانه را بیان بکند. با توجه به اینکه دانته از اعضای این مکتب بوده و در «کمدی الهی» هم به آن اشاره‌ای دارد، می‌توان به اهمیت این مکتب ادبی پی برد.

کیایی توضیح داد: کتاب «سبک شیرین نو» منسوب‌بصیری مقایسه‌ای تطبیقی و علمی بین مکتب شکرین طرز نو و مکاتب ادبی ما در زمینه‌ی سرایش شعر است. این اولین اثر جامع در این حوزه است که با این شیوه‌ی مطالعاتی به این موضوع می‌پردازد. ازاین‌رو، از اهمیت وافری برخوردار است. در بخش‌های آغازین کتاب نویسنده سعی کرده است شکل‌گیری مکتب ادبی شکرین طرز نو را مطالعه کند و با ارائه‌ی شواهد نشان بدهد. سپس، آن را با مکتب خراسانی مقایسه کرده و کوشیده است با ارائه‌ی واژگان فارسی راه یافته به ولگار ایتالیایی این بررسی را ملموس‌تر کند. مراودات فرهنگی بین فرهنگ ایتالیایی و ایرانیان در قالب مسافرت‌ها، مأموریت‌ها و ارتباط تجاری در انتقال فرهنگ و واژگان فارسی در ولگار ایتالیایی مؤثر بوده‌اند. در دیگر آثار ایتالیایی نیز شواهدی بر این امر داریم.

او تأکید کرد: در تمام پخش‌های کتاب نویسنده سعی کرده است که صرفاً به تجزیه تحلیل فردی بسنده نکند و با ارائه‌ی مدارک و اسناد مطلب را برای خواننده ملموس‌تر کند. مهم‌تر اینکه کار او در این اثر صرفاً ارائه‌ی مشابهت‌ها نبوده، بلکه او کوشیده در بخش‌هایی از این فصول تفاوت‌های مکتب خراسانی و مکتب عراقی با شکرین طرز نو را هم نشان بدهد. اهمیت این کار در این است که هویت مستقل هر مکتب یا جریان ادبی را هم نشان می‌دهد. این تفاوت‌ها گواه هویت مستقل این جریان‌های ادبی است که برخاسته از مبنای فرهنگی، اجتماعی و تاریخی آنها است. در این کتاب جای آن نبود که وقتی به تفاوت‌ها اشاره می‌شود، فصلی تحت عنوان موقعیت تاریخی یا فرهنگی سبب‌ساز این تفاوت‌ها باز شود. چراکه مسیر کتاب را قدری متفاوت می‌کرد و گستردگی و پراکندگی زیادی را به آن تحمیل می‌کرد که مانع انسجام آن می‌شد. به نظر می‌آید، مؤلف به همین دلیل به مسائل جامعه‌شناختی و دلایل تاریخی و فرهنگی سبب‌ساز ایجاد این تفاوت‌ها نپرداخته است. اما تا همین جای کار هم با بیان تفاوت‌ها در کنار مشابهت‌ها و ارائه‌ی دلیل و سند برای هر یک از اینها جامع است.

کیایی بیان داشت: این کتاب برای دانشجویان حوزه‌ی ادبیات ایتالیا، علاقه‌مندان و کسانی که در حوزه‌ی ادبیات تطبیقی کار می‌کنند، بسیار مفید و مهم است. یکی از بخش‌های موردعلاقه‌ی من، به‌خصوص فصل پنجم این اثر است که می‌توانیم بگوییم نبض این اثر در آن است. چراکه وقتی مؤلف درصدد آن است که شیوه‌ی سرایش خراسانی در ادبیات فارسی را با شکرین طرز نو مطالعه‌ی تطبیقی کند، به شکل عمیق و دقیق‌تری به بلاغت شعر فارسی هم پرداخته است که شاید امروزه قدری مورد جفا قرار گرفته باشد. او به شباهت‌های بسیار دقیق و ظریف شکرین طرز نو و سبک خراسانی اشاره کرده است که هویت سرایش خراسانی شعر فارسی را روشن می‌کند. همچنین، او در این فصل، حتی بیش از سایر فصل‌ها، از تجزیه تحلیل‌های فردی دوری کرده و به‌نوعی به مرز پختگی‌ای رسیده است که می‌تواند نمونه‌ی بارزی برای مطالعات دیگری با همین سبک و سیاق باشد.

او در پایان اظهار امیدواری کرد که با انتشار مطالعاتی مشابه این اثر، منابع بیشتری در دسترس پژوهشگران قرار گیرد.

اخبار

طراحی و دوخت در حوزه مد و لباس نیازمند محتوا است

سیدسعید میرمحمد صادق پژوهشگر تاریخ و برنامه ساز تلویزیونی که دبیری نخستین جشنواره مد و رسانه را نیز در کارنامه فعالیت حرفه‌ای خود دارد، به نقد نحوه استفاده طراحان از المان‌ها و نمادهای اصیل ایرانی اسلامی در پوشاک و اکسسوری‌ها پرداخت و گفت: ما مردم ایران فرهنگی با غنای بیش از هفت هزار سال در کشورمان داریم و پژوهش‌های باستان شناسی نشان می‌دهد بین هفت تا ۱۰ هزار سال پیش انسان‌ها در این سرزمین پهناور زیست بشری داشته‌اند. از دو هزار و ۵۰۰ سال پیش به این سو نیز تمدن مکتوب در ایران داریم؛ پس کشوری تهی از نظر تاریخ، فرهنگ، المان، انگاره و ... نیستیم.

وی با تأکید بر اینکه محتوا و مفهوم بسیار زیادی در کشورمان وجود دارد، این سوال را مطرح کرد که آیا طراحان لباس کشورمان به تنهایی می‌توانند به استفاده درست از این نمادها و نشانه‌ها در هنر صنعت لباس اقدام کنند؟ و پاسخ داد: غنای مفاهیم و المان‌ها در فرهنگ هزاران ساله ایران وجود دارد این مفاهیم و المان‌ها و عینیت بخشیدن به فرهنگ غنی ایرانی در حوزه مد و لباس تنها با تشکیل یک تیم ممکن است.

این پژوهشگر تاریخ کشورمان ادامه داد: طراحان باید برای هر گروه از مخاطبان خود به صورت تخصصی تیم تشکیل دهند. مثلاً اگر مخاطب بیش از دو میلیون کودک ایرانی است باید روانشناسی کودک، رنگ‌شناسی مختص کودکان، تصاویر مورد علاقه کودکان و ... مورد مطالعه قرار گیرد و البته تأکید می‌کنم که تشکیل تیم به این معنی نیست که چند طراح دور هم جمع شوند بلکه باید از رشته‌ها و تخصص‌های مختلف یک گروه تشکیل داد که تعدادی از اعضای آن مسئول طراحی و دوخت باشند و تعدادی دیگر مسئول تولید محتوا.

وی تصریح کرد: همانطور که گفتم طراحی و دوخت نیاز به محتوا دارد به همین دلیل نیاز داریم گذشته و حال خودمان را بشناسیم؛ به عنوان مثال وقتی در خطر بودن یوزپلنگ ایرانی مطرح شد، متأسفانه تنها کاری که در این خصوص انجام شد این بود که تصویر یوزپلنگ را بر روی لباس‌ها چاپ کردند. این اقدام بسیار سطحی است درحالی که یک کارتونیست موفق می‌توانست با طراحی خوب و مفهومی این تصویر را بر روی لباس کودکان طراحی کند.

این نویسنده کشورمان با مطرح کردن این سوال که چرا شکل زرافه، کرگدن و سایر حیواناتی که بومی ایران نیستند را بر روی لباس کودک کار می‌کنیم اما تصویر «هوبره» که یک جانور بومی ایران است یا گیاهان بومی ایران را بر روی لباس‌های کودکان نقش نمی‌بندیم و به کودکانمان نشان نمی‌دهیم که این پرنده زیبا یا گیاه متعلق به ایران و در خطر است؟ گفت: حتی در بسته بندی لباس هم می‌توان اطلاعات سرزمینی در خصوص آن گیاه یا جانور بومی ارائه داد اما چنین کاری نمی‌کنیم.

میرمحمد صادق با تأکید بر اینکه باید بدانیم هر تصویری که بر روی لباس کودک و نوجوان نقش می‌بندند بر اساس چه هدف، منظور و مفهومی است، گفت: در حال سپری کردن سومین جشنواره لباس کودک و نوجوان و دهمین جشنواره مد و لباس فجر هستیم و باید از این پس تیم‌های طراحی در جشنواره‌ها حضور پیدا کنند نه افراد؛ کار جمعی است که در جهان موفق خواهد شد.

وی افزود: میزان المان‌های ایرانی در هر منطقه کشور بسیار زیاد است به همین دلیل پیشنهاد من موضوعی کار کردن در جشنواره‌ها و اختصاص هر جشنواره به ویژگی‌های یک منطقه از کشور مثل مکران بود تا طراحان با المان‌های بخش‌های مختلف کشور آشنا شوند و تصور نکنند که تنها المان ایرانی بته جقه است. بی‌توجهی ما به المان‌های داخلی در حالی رخ می‌دهد که برندهای مطرح دنیا در حال استفاده از المان‌های ایرانی مثل گل و مرغ بر روی کیف و سایر اکسسوری‌های عرصه مد هستند.

این برنامه ساز تلویزیون با اشاره به اینکه سرزمین ما، خاطراتمان، بناها، نمادها و ... پر است از منابع الهامی برای طراحان که به راحتی می‌توانند از آنها استفاده کنند، گفت: البته نه اینکه عین آن نماد را بر روی لباس چاپ کنیم بلکه باید مفهوم و المانی از آن را با هنرمندی و خلاقیت بر روی لباس بنشانیم. متأسفانه برخی طراحان عین یک کاشی مسجد را بر روی مانتو یا کیف و کفش چاپ و یا آیه قرآن را بر روی زیورآلات حک می‌کنند و حتی به مسائل شرعی این مسئله نیز توجه نمی‌شود. هر نماد، رنگ و خطی در فرهنگ ایران مفهومی دارد و چاپ عین آن تصاویر بر روی لباس یا کیف و کفش اصلاً مناسب نیست. اما آیا طراحان نمی‌توانند فرم کنگره‌ها را بر روی سرآستین در بیاورند؟!

این پژوهشگر تاریخ کشورمان با اشاره به چاپ نوشته‌ها به خط نستعلیق بر روی لباس‌ها، گفت: یک فرد خلاق این ایده را ارائه کرد، پس از آن همه به دنبال تقلید برآمدند اما تولیدکنندگان حاضر نبودند هزینه کرده و از این خوشنویس برجسته بخواهند که نوشته مناسبی با خط فاخر تهیه و به آنها ارائه دهد. برخی از خطوط چاپ شده هم در نهایت ضعف بودند و این کار را خراب کرد. از سوی دیگر استفاده از شعر بر روی لباس باید بر اساس معنا باشد و هر شعری مناسب لباس یا اکسسوری‌ها نیست.

نویسنده کتاب بدایع الاخبار، به طراحان و تولید کنندگان این مسئله مهم را متذکر شد که اگر می‌خواهند از المان‌ها و ترکیب‌های رنگ خارجی استفاده کنند ابتدا ببینند در سایر فرهنگ‌ها و ملل آن المان یا ترکیب رنگی به چه معنا است و افزود: در جهان برخی ترکیب رنگ‌ها به صورت تعریف شده نماد یک تفکر یا حمایت از یک سبک رفتاری است و اگر طراحان ما این را ندانند دچار اشتباه در استفاده از این المان‌ها و رنگ‌ها خواهند شد.

اخبار

افزایش خشونت های نژادی در استرالیا به روایت پرس تی وی

مستند «بالا و پایین» (Down and Under) در شبکه پرس تی وی موضوع نژادپرستی و افزایش روزافزون خشونت های نژادی در استرالیا را مورد بررسی قرار می دهد.

به گزارش امتیاز، این مستند به کارگردانی حمید فرج اللهی محصول سال ۲۰۱۴ پرس تی وی است و به انعکاس همه گیری نژادپرستی در استرالیا می پردازد.این مستند داستان دو استرالیایی بومی به نام استیون ریچ وی و ری جکسون را روایت می کند که در سن کودکی توسط دولت استرالیا به زور از خانواده های خود گرفته شده و به خانواده های سفید پوست سپرده شده اند. این دو که در حال حاضر بالای ۶۶ سال سن دارند، همچنان مورد حمله و آزار سیاست های نژادپرستانه دولت و پلیس استرالیا قرار داشته و وقایعی در رابطه با رفتار نژادپرستانه در استرالیا را بازگو کرده و تلاش و مبارزه بی وقفه برای گرفتن زمین های اجدادی و حقوق خود از دولت استرالیا را بیان می کنند.مستند «بالا و پایین» همچنین مروری بر زندگی دو مهاجر آفریقایی و برزیلی داشته و بازجویی بی مورد و آزار دانیال مایکل هیلی مهاجر آفریقایی توسط یک پلیس استرالیایی و اذیت و آزار گوستاوو فرالی مهاجر سفیدپوست برزیلی توسط یک استرالیایی در قطار و تهدید وی و خانواده اش به مرگ و تجاوز را به تصویر می کشد.مستند «بالا و پایین» در ۴ قسمت ۲۵ دقیقه ای از ۸ تا ۱۱ دی ماه ساعت ۰۴:۰۰ به وقت تهران از شبکه پرس تی وی پخش می شود و تکرار آن نیز در ساعات ۰۹:۰۰، ۱۵:۰۰، ۲۰:۰۰ و ۰۱:۰۰ پخش خواهد شد.

زیبایی‌های بندر انزلی و شهرستان اهر در برنامه «ایران» هیسپان تی وی

برنامه «ایران» شبکه هیسپان تی وی در این قسمت از برنامه، به بندر انزلی در استان گیلان و شهرستان اهر در استان آذربایجان شرقی سفر خواهد کرد.

به گزارش امتیاز، برنامه «ایران» که در هر قسمت با سفر به نقاطی جذاب از کشورمان دریچه ای تازه از دیدنی های ایران را به روی مخاطبان باز می کند، در بخش نخست با اجرای علی چیت‌سازیان، به معرفی بندر انزلی، بزرگ‌ترین بندر شمال کشور می پردازد و جاذبه های کم‌نظیر گردشگری و تاریخی این شهر را به تصویر می کشد. همچنین در این برنامه به ورزش های آبی در این شهر که همه‌ساله گردشگران داخلی و خارجی زیادی را به سمت خود می کشاند، پرداخته خواهد شد.

طاهره بدخش نیز در بخش دوم این برنامه به شهرستان اهر سفر خواهد کرد و مخاطبان اسپانیایی‌زبان این شبکه را با قلعه های تاریخی، صنایع دستی، جنگل های ارسباران و سوغات این شهرستان آشنا خواهد کرد.

برنامه «ایران» به تهیه‌کنندگی محمدعلی قاسمی روزهای یکشنبه، ساعت ۰۳:۰۰ بامداد روی آنتن هیسپان تی وی می‌رود و در همان روز ساعات ۰۷:۳۰ و ۱۷:۰۰ بازپخش می‌شود.

اهدای ۵ هزار و ۲۰۰ جلد از آثار کتاب جمکران به مناطق محروم

بیش از ۵ هزار و ۲۰۰ جلد از کتاب‌های انتشارات کتاب جمکران به‌تازگی با کمک یک خیّر و نیروهای جهادی در کتابخانه‌های منطقه محروم بشاگرد توزیع شده است.

مسئولان انتشارات کتاب جمکران در توضیح بیشتر این رویداد، متنی را در اختیار خبرگزاری مهر قرار دادند که به این شرح است:

«صدقه یکی از مفاهیم کارگشا و ارزشمند است که ابعاد گسترده‌ای دارد. ممکن است صدقه را صرفاً کمک به نیازمندان و فقرا بدانیم. ولی در فرهنگ اسلامی نگاهی گسترده به این مفهوم است. صدقه، به اموالی می‌گویند که به قصد قُربَت در راه خدا داده می‌شود، یعنی فراتر از کمک به فقیر. از این‌رو هرگونه هزینه به نیت نشر اسلام و ارزش‌های آسمانی یکی از ابعاد مهم صدقه است. صدقه برکات و اثرات چشمگیری در زندگی فرد داشته و اگر انتخاب خاصی از صدقه را داشته باشد می‌تواند بسته به چرخه حیات آن، برکات نامیرا و طولانی برای صدقه متصور شد.

چیزی که در احادیث و کلام بزرگان از آن به عنوان «صدقه جاریه» یاد می‌کنند. در منش بزرگان دین انواع زیبایی از صدقه دیده می‌شود که یکی از آنها «صدقه کتاب» است. مقام معظم رهبری مدظله در این باره می‌فرمایند: «اگر کتابخوانی فرهنگ رایج شد و در بین مردم ما جا افتاد، آن‌وقت کسانی پیدا می‌شوند که «صدقه کتاب» درست می‌کنند که الان نیست. شما ببینید چقدر روضه‌خوانی می‌شود! چقدر احسان می‌شود! چه‌قدر به ایتام کمک می‌شود! چقدر پول و جنس و پارچه و چیزهای دیگر داده می‌شود! آیا به همین نسبت، کتاب هم داده می‌شود؟! به همین نسبت پول برای چاپ کتاب داده می‌شود؟! خیلی کم. خب، شما که روشنفکرید و به اهمّیّت این کار آگاهید، این را ترویج کنید.» این رویه زیبا و برکت مستمر، در گذشته در میان مردم رایج بوده است و امروزه با هدایت اندیشمندان و بزرگان دین در حال احیا و فرهنگ سازی است. صدقه کتاب علاوه بر توسعه فرهنگ انسان دوستی و بالا بردن معنویات فردی در جامعه، می‌تواند نقش موثری در بهبود فرهنگ کتابخوانی و همچنین تقویت صنعت نشر، به‌خصوص در شرایط کنونی باشد.

در همین راستا اخیراً یکی از بانیان فرهیخته، انتشارات کتاب جمکران را برای تهیه و توزیع کتب اهل‌بیتی، ویژه کتابخانه های مناطق محروم انتخاب کرد. انتشارات کتاب جمکران با حمایت مالی این خیّر شیرازی، در چند ماه اخیر، در مجموع بیش از ۵۲۰۰ جلد کتاب مناسب و جذاب را تهیه و به تدریج توسط نیروهای جهادی در کتابخانه های مناطق محروم از جمله مناطق میناب و بشاگرد توزیع کرد.